تاریخچه وهابیت

و زمینه های رشد وهابیگری



بسم الله الرحمن الرحیم

تاریخچه وهابیت و زمینه‌های رشد وهابیگری

نویسنده:

م.ن

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تاریخچه وهابیت و زمینه‌های رشد وهابیگری

مشخصات کتاب

نویسنده: میم نون

نشریه: فلسفه، کلام و عرفان » درسهایی از مکتب اسلام » اسفند ۱۳۶۹، سال ۳۰ - شماره ۱۱

مقدمه

معمولا هنگام ذکر تواریخ بیشتر به سراغ ذکر حوادث و رویدادهای تاریخی می‌روند و آنها را به صورت اموری از هم گسسته و غیر مرتبط به گذشته و آینده مطرح می‌کنند در حالی که واقع مطلب غیر از آن است و این یک صورت مسخ شده از آن واقعیت عینی است. واقعیت آن است که تاریخ یک مجموعه واحد به هم پیوسته است که از آغاز حیات بشر تا پایان آن را دربر می‌گیرد و حوادث به صورت حلقه‌های زنجیر دست در گردن یکدیگر دارند. یا به تعبیر دیگر رابطه این حوادث رابطه تنگاتنگ علت و معلولی است و به این ترتیب حوادث گذشته ریشه‌هائی است برای حوادث امروز و حوادث امروز نتائجی است نسبت به حوادث گذشته، البته قائل به جبر تاریخ نیستیم و اراده انسان را حاکم می‌دانیم سخن از زمینه‌هاست. اولین و مهمترین نتیجه‌ای که برای شناخت جایگاه واقعی هر حادثه ریشه‌های آن را در گذشته و ثمرات آن را در آینده مورد بررسی قرار دهیم و در غیر این صورت مسائل تاریخی به صورت یک معما و در یک جایگاه غیر واقعی دیده می‌شود. با در نظر گرفتن این مقدمه کوتاه و لازم به سراغ شرح تاریخچه وهابیت می‌رویم و نخست از زمینه‌ها شروع می‌کنیم: [صفحه ۲۰]

زمینه‌های رشد وهابیگری

وهابیت عمدتا از دو اصل مایه گرفته: ۱ - آمیختن تعلیمات اسلامی با انبوهی از خرافات ۲ - جمود و ظاهر بینی و تعصب خشک. در قسمت اول در هر نقطه‌ای مسائل خرافی در میان عوام به طور گسترده رائج می‌گردد می‌بینیم بلافاصله رگه‌های وهابیت در مغزهای گروهی نمایان می‌شود. مثلا در محیطهائی که مردم خرافی دست توسل به دامن همه چیز می‌زنند گاه از سقا خانه حاجت می‌طلبند گاه پای دیگ سمنو شمع روشن کرده و حل مشکل می‌خواهند گاه پنجره ضریح امامزاده را آن قدر کهنه‌های رنگارنگ می‌بندند که انسان از مشاهده آن ناراحت می‌شود گاه دست به دامن گروهی فالگیر و طالع بین و رمال می‌شوند و از آنها حل مشکل می‌خواهند گاه به سراغ اعتقاد تاثیر ستارگان در سرنوشت انسانها می‌روند و رابطه‌ای میان اوضاع کواکب و حرکات و تغییرات آنها با زندگی مردم دنیا عموما یا افرادی خصوصا قائل می‌شوند، جنگ و صلح و قحطی و فراوانی و بیماری و تندرستی، خشکسالی و پرآبی و حتی اشاعه اکاذیب و نشر اراجیف را مربوط به اوضاع و احوال کواکب می‌شمرند. این گونه آداب و رسوم اگر به صورت لجام گسیخته در جامعه باقی بماند به زودی تشکیل مذاهب جدیدی می‌دهد و یا چشمه زلال یک مذهب آسمانی را کاملا تیره و تار می‌سازد. اینجاست که گروهی شدیدا بر ضد این خرافات تحریک می‌شوند و به مبارزه با آن برمی‌خیزند و چنان بی‌رحمانه به آن حمله می‌کنند که نه تنها خرافات، بلکه یک سلسله از واقعیتهای غیر خرافی را نیز مورد هجوم خود قرار می‌دهند. هر گونه توسل را شرک می‌شمرند. هر گونه توجه به غیر خدا (حتی توجه به پیشوایان بزرگ به عنوان شفیعانی بر درگاه خدا، نه به عنوان یک موجود مستقل و قائم با لذات را) مخالف توحید قلمداد می‌کنند. برچسب شرک و کفر را به همه کسانی که معتقد به این امور هستند. به آسانی می‌چسبانند همه کس غیر از خودشان را کافر می‌شمرند. نویسنده معروف مصری احمد امین ضمن

تحقیقات خود دربـاره‌ی وهابیان چنین آورده است. بسیاری از آنها جز سـرزمین خود سـرزمینهای اسـلامی دیگر را کشور اسـلامی نمی‌دانسـتند چرا که (به عقیده آنها) بدعتهائی در آنها شیوع دارد و به همین دلیل معتقد بودند که باید با این کشورها [صفحه ۲۱] (همچون بلاـد کفر) جهاد کرد [۱] . در تاریـخ وهـابیت می‌خوانیم که از جمله مسـائلی که آنها شدیـدا با آن به مخالفت برخاسـتند مساله محمل بنـدی بود. محمل بندی چیزی بود که به صورت هودج به شـکل مربع از تخت چوبهائی ساخته می‌شد و دارای سـقفی بود که از چهار طرف به سوی وسط محمل بالا میرفت تا به سـتونی که به یک شـکل هلالی منتهی می‌شـد، برسـد و معمولا آن را با پارچه‌هائی از حریر یا پارچه‌های گرانقیمت دیگر تزیین می‌کردند و هنگام سـفر به مکه آن را به پشت شتری می‌بسـتند. سـیوطی در «کنز المـدفون» گفته است نخستین کسـی که بردن محمـل را در راه مکه مشـرفه پدیـد آورد، حجاج بن یوسف ثـقفی بود. صاحب «دررالفوائـد» می‌گویـد چهـار محمـل از عراق و مصـر و شـام و یمن به حجـاز می‌بردنـد و در سالهای دیگر گاه محملهائی از نواحی دیگر بـه مکـه می‌آوردنـد و از میـان این محملهـا محمـل عراقی در زمـان خلفـای عباسـی مجلل‌تر بـود. از همـان زمـان (قرن هفتم) تشـریفات مربوط به حمـل محمـل در قاهره هر سال معمول بوده و آن طور که از سـخن ابن‌بطوطه فهمیـده می‌شود به هنگام حرکت موکب محمل شتربانان آهنگ (حـدی) می‌خواندنـد که باعث تهییـج مردم برای سـفر حـج می‌شـد. در مرآه الحرمین آمده است که سلطان ابوسعید پسر سلطان محمد خدابنده محمل عراقی را با حریر پوشانید و آن را با طلا و در و یاقوت و انواع جواهرات آراست و پوششـی از «خز» برای آن تهیـه دیـد کـه هر وقـت محمـل را بـه زمیـن می‌گذاشـتند پوشـش مزبـور را روی آن می‌کشـیدند. کم‌کم محملهـائی از ایران بـا تشـریفات زیـادی به همراه امیرالحـاج بـا جمعی کـثیر سواره و پیـاده روانه مکه معظمه نمودنـد. همراه محملها معمولا گروهی بسیار سواره و پیاده و گاه حتی چند عراده توپ با آن حمل می‌شد و یک دسته موزیکچی همراه محمل در حرکت بـود. مهـم اینجـا است کـه گروهی از مردم برای تیمـن و تبـرک محمـل را لمس می‌کردنـد و آن را می‌بوسـیدند و احترامـات فـوق العاده‌ای قائل بودنـد و حتی شـرفای مکه به طور رسـمی با شـکوه فراوان از آن دیـدن می‌کردند [۲] . [صـفحه ۲۲] سرچشمه مساله محمـل هر چه بوده است در خرافی بودن آن تاثیری نـدارد و بخصوص که هر ساله دامنه آن وسـیعتر می‌شـد و کم‌کم تبـدیل به بتی می‌گشت و مردم به جای توجه به مقدسات اسـلامی مجذوب آن می‌شدند و چنان که در تاریخ وهابیت آمده است یکی از کارهای آنهـا جلوگیری شدیـد و مبـارزه بـا آوردن محمل در سـرزمین حجاز و مکه بود و این امر به صورت فتوائی از ناحیه آنها صادر شـد. مساله احترام به درختان چنان که گفتیم در سرزمین حجاز (مانند بسیاری از مناطق دیگر که به درختان قدیمی و کهنه احترام خاصی می‌گذاردنـد و از آن حاجت می‌طلبنـد) نیز رائـج بود و از جمله مسائلی بود که نظر محمـد بن عبدالوهاب را به خود جلب کرد و به هنگامی که قـدرت پیـدا کرد دسـتور قطع آنها را صادر نمود. هـدف این است که بـدانیم خرافات و تنـدرویهای وهابیان بدون زمینه نیست، هنگـامی که خرافـات اوج گیرد چنین عکس العملی در برابر آن بعیـد به نظر نمی‌رسـد بنـابراین اولین گـام برای محـو افکـار وهابیگری مبارزه حدی و پیگیر با خرافات و بدعتها و مسائل غیر اسـلامی است. این نکته نیز قابل توجه است که گاهی مساله تسامح در ادله سـنن و آسان گرفتن طرق اثبات اعمال مسـتحب بهانه‌ای می‌شود برای نشر این گونه افکار یعنی حدیث ضعیفی را برای یک عمل خرافی پیدا می‌کند و از طریق آن شـکل فقهی به آن می‌پوشاند. ولی همانگونه که در جای خود گفته شده اولا تسامح در ادله سنن ثـابت نیست و ثانیـا بر فرض ثبـوت هرگز نمی‌توانـد در برابر آنچه شـکل بـدعت به خود بگیرد و یـا رائحه شـرک داشـته باشـد مقاومت کند چرا که هرگز مستحب با حرام تعارض نخواهد کرد. به هر حال باید از دادن دسـتاویز به وهابیان و وهابی زده‌ها پرهیز کرد که همیشه کارهـای خلاـف و افراطهـا، عکس العملهـای از خلافهـای دیگر در جـانب تفریط دارد، و این یک کلی است که بر مسائـل اجتماعی حاکم است این همان عکس العملی که امروز در کشورهای کمونیستی شاهـد آن هستیم و نظام تمام آنها را به هم ریخته است، روزی بر اساس یک سلسـله تحلیلهای خام و خیالی آنقـدر در دولت سالاری و اقتصاد متمرکز دولتی افراط کردنـد که آب خوردن بـدون اجـازه دولت مشـکل بود، و بعـد از واکنشـهای منفی آن اکنون چنان از وضع سابق متنفر شده‌انـد که همه چیز را

می‌خواهند از دست دولت بگیرند. در تاریخ اسلامی هنگامی که توجه به دنیا پرستی و زرق و برق و ثروت و تجملات زیاد شده ناگهان در برابر آن توجه به زهد خشک افراطی و فرار از زندگی اجتماعی و توجه به عزلت و گوشه گیری از هر گونه فعالیت اجتماعی ظاهر گشته است. افکار وهابیگری نیز از این قانون مستثنی نیست.

پاورقی

[۱] کتاب زعما الاصلاح فی العصر الحدیث ص ۲۱ – ۲۰.

[۲] نقل از کتاب وهابیان با تلخیص از صفحات ۴۵۹ – تا ۴۶۳.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».